

کاربردهای عنصر "تکرار" نزد شاعران سبک آذربایجانی

دکتر نرگس اسکویی

استادیار دانش‌گاه آزاد اسلامی، واحد بناب

چکیده

تکرار یکی از مختصات مهم شعر سبک دوره آذربایجانی است؛ شاعران شاخص سبک آذربایجانی - نظامی، خاقانی، فلکی، مجیر بیلقانی، مهستی گنجوی - در استفاده هنرمندانه از این عنصر، برای رسیدن به نتیجه مطلوب و نهایی که تأثیرگذاری بیش‌تر کلام بر مخاطب است، بسیار موفق بوده‌اند. عامل تکرار، به شکل تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها، تکرار حروف و اصوات، تکرار منظم و یا نامنظم کلمات و تکرار جملات در هر سه عرصه سبکی شعر آذربایجانی یعنی محورهای زبانی، ادبی و آوایی تأثیرات مهمی ایفا کرده است و شاعران این سبک با کاربرد به‌جا و هوش‌مندانه‌ی تکرار به مقاصد متنوع و پر تعدادی دست یافته‌اند؛ مثل:

۱- بسط و توسعه و تازگی دایره‌ی واژگانی و آشنایی‌زدایی نحوی هم‌راه با برجسته‌سازی کلام.

۲- ورود انواع آرایش‌های لفظی و معنوی در کلام از قبیل: نغمه‌ی حروف و اصوات و کلمات، انواع جناس، اشتقاق و شبه اشتقاق، تصدیر، طرد و عکس، قلب و التزام.

۳- تقویت و تأکید موسیقی درونی و کناری شعر.

۴- افزایش توان دستگاه بلاغی از طریق ایجاد تصاویر نو و تو در تو با استفاده از مقوله‌ی تکرار در شعر.

این مقاله پژوهشی است در باب کارکردهای عنصر تکرار و این مقوله را هم‌چون یک مختصه‌ی مهم و پر بسامد سبکی در دستگاه‌ها و سطوح سبکی مختلف (زبانی، ادبی، موسیقایی) در آثار شاعران سبک میان دوره‌ی آذربایجانی پی گرفته است.

واژگان کلیدی: سبک آذربایجانی، تکرار، مختصه‌ی سبکی، لحن، برجسته‌سازی.

۱- مقدمه

شاعران سبک آذربایجانی که برای نخستین بار در شعر و ادب فارسی داعیه‌دار داشتن "شیوه‌ی جدید"^۱ و "طرز غریب"^۲ در صنعت هنری خود بودند، روش‌هایی را آزمودند که پیش از این شاعران، در شعر فارسی سابقه‌ی چندانی نداشته است. گام‌هایی مؤثر در افزایش خزاین لغت شعر از طریق ساختارهای اشتقاق و ترکیب‌سازی زبان فارسی یا ساختن استعارات و کنایات بسیار زیاد که موجب توسعه‌ی زبان هنری و دستگاه بلاغی شعر فارسی از طریق نام‌گذاری‌های جدید و ابداع نشانه‌های تازه گشت، کمک به شعر فارسی برای ورود به حوزه‌های آزداندیشی و گشودن دروازه‌ی ایدئولوژی‌های گوناگون علمی و انسانی بر روی شعر فارسی، گوشه‌ای از دستاوردهای مهم این شاعران برای شعر و ادبیات فارسی بوده است.

هر سبک ادبی جدید در کنار مختصات درشت و برجسته، در بطن خود گاه مختصات کوچک و به ظاهر ساده‌ای دارد که به اندازه‌ی دیگر مختصات ادبی و هنری آن سبک، مهم و اثرگذار شمرده نمی‌شوند اما به واقع سبک ادبی هم‌چون هر ویژگی کلی دیگر، محصول هر مختصه‌ی پر بسامدی است که گوشه‌ای از کار را بگیرد و بار را به سر منزل مقصود رساند. یکی از این مختصات به ظاهر ساده در سبک شعری شاعران برجسته‌ی سبک آذربایجانی نظیر خاقانی، نظامی، فلکی شروانی، مجیر بیلقانی و مهستی گنجوی عنصر "تکرار" است؛ این واژه‌ی ظاهراً بسیط، در نوع خود توانسته است که جهان گسترده‌ای از هنرمندی و آراستگی به بار آورد.

تکرار، یکی از فنون ادبی-زبانی و البته موسیقایی شاعران سبک آذربایجانی است که در همه‌ی قالب‌ها و موضوعات شعری و در شکل‌های بسیار متنوع و گوناگون، به شکل ابزاری حرفه‌ای و تخصصی برای جلوه‌های بیانی و بصری این شعر فنی از آن استفاده می‌شود. تکرار در تمام عناصر شعری این سبک از کوچک‌ترین بخش‌ها چون صامت‌ها و مصوت‌ها تا صورت‌های خیالی و ترکیبات و عبارات تصویری به نحوی برجسته و البته هدف‌مند و هنری جلب توجه می‌کند. اگرچه گاهی مثل همه‌ی دوره‌های شعری، از سر ناچاری و تنگناهای قافیه و اشکالات ساده‌ای از این دست، تکراری ناگذیر نمود می‌یابد - و بدیهی است که چنین تکراری ارزش هنری و ساختار شکنانه ندارد-، اما با اندکی کنکاش و دقت

در آثار ادبی این سبک، متوجه عامدانه و خلّاقانه بودن این تکرارها و متفاوت بودن آن از تکرارهای "پیش آمدنی" خواهیم شد.

زبان ادبی "پر تکرار" زبانی خاص و پر پیچ و خم است، زیرا تکرارهای مبتکرانه و ابداعی، آن را از هنجارهای عادی دور ساخته‌اند و هویت و رنگ و بوی خاصی به آن بخشیده‌اند. شعر سبک آذربایجانی بخشی از تشخّص زبانی و هنری خود را مدیون تکرار است و تکرار برای ترکیب و بدنه‌ی شعر آذربایجانی عاملی مهم است.

اگرچه تکرار پیش از سبک آذربایجانی هم عاملی صورت‌ساز در شعر محسوب می‌شده است - مثلاً در **شاه‌نامه‌ی** فردوسی - و باز اگر چه تقریباً در تمام مثنوی‌های بزرگ سروده شده بعد از این سبک (مثل مثنوی‌های عطار، مثنوی مولوی و ...) به عنوان مختصه‌ی ادبی این آثار شمرده می‌شود، اما جلوه و زیبایی و کاربرد حرفه‌ای تکرار در شعر شاعران آذربایجانی در نوع خود بی‌نظیر است.

تکرار و نقش مهم آن در دستگاه‌های مختلف شعر تاکنون توجه محققان بسیاری را در حوزه زبان‌شناسی و ادبیات به خود جلب نموده است و هر پژوهش‌گری از زاویه‌ای - بلاغی، زبانی، معنایی - به این مسأله توجه نموده است: مقاله‌ی «تکرار، ارزش صوتی و بلاغی» آن که در سال ۱۳۵۴ در نشریه دانش کده ادبیات مشهد به چاپ رسیده است، از نخستین آثار تحقیقی است که در این زمینه در دست است. (متحدین، ۱۳۵۴) مقاله‌ی «واج آرایی و تکرار در شعر خاقانی» (کرمی، ۱۳۸۳)، تکرار را چون آرایه‌ی ادبی در نظر گرفته و انواع آن را در شعر خاقانی بررسی نموده است؛ مقاله‌ی «تکرار مقوله‌های زبانی در غزلیات شمس» از نظرگاه زبان‌شناسی به تکرار در غزلیات مولوی توجه نموده است. (وفایی، ۱۳۸۸) سبزعلی‌پور در مقاله‌ی «تکرار بلاغی، اهمیت و لزوم بازنگری آن» (سبزعلی‌پور، ۱۳۸۸) کارکردهای هنری تکرار را کنکاش نموده است. **تکرار در شعر حافظ** (نساجی‌زواره، ۱۳۹۰) و **غزلیات سعدی** (بارانی، ۱۳۹۱) و **بوستان سعدی** (رضایی، ۱۳۸۷) و **شعر معاصر** (روحانی، ۱۳۹۰) و نیز **شعر کودک فارسی و عربی** (جلالی، ۱۳۹۰) نیز پی‌گیری شده و مورد ارزیابی و تحقیق قرار گرفته است.

تحقیق حاضر، مسأله‌ی تکرار را به عنوان یک مختصه‌ی سبکی، آن هم در یک سبک دوره‌ای - میان دوره‌ای - و نه فقط در سبک شخصی یک شاعر، هدف مطالعه خود قرار داده است. در این تحقیق، موضوع تکرار به عنوان مسأله‌ای وسیع در تمام دستگاه‌های

زبانی، ادبی و فکری سبک آذربایجانی بررسی شده است و پس از معرفی کارکردهای مختلف آن در نظام شعری سبک آذربایجانی، تأثیر فراگیر آن در حیطه‌های گوناگون شعر از موسیقی، ایجاد و تأکید و تغییر لحن، گنجینه‌ی لغات، هنجارشکنی و آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی زبان، آرایش کلام، صورت‌گری و خیال‌بندی و انتقال معنی و تأثیرگذاری بر مخاطب تحلیل شده است.

۲- بحث و بررسی

در ادامه‌ی مقاله، انواع شیوه‌های شاعران سبک آذربایجانی را در بهره‌گیری از عامل تکرار، برای رسیدن به مقاصد هنری و ادبی در شعر، بررسی می‌کنیم:

۲-۱- نغمه حروف و اصوات:

آرایش موسیقایی سخن از راه تکرار بجا و هنرمندانه‌ی یک یا چند واج را واج‌آرایی می‌گویند. گزینش کلماتی با حروف هم‌آهنگ و چینش خاص آنان به نحوی که در کلام موسیقی خاص و لحن مورد نظر شاعر را ایجاد کند، در شعر سبک آذربایجانی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. شاعران سبک آذربایجانی با انتخاب کلماتی که حروف هم‌آهنگ و تکراری - به‌ویژه در آغاز کلمه- دارند، هم ارتباط لفظی کلمات را افزوده‌اند و هم به توسعه‌ی موسیقایی شعر کمک کرده‌اند. این نوع از تکرار خود بر چند نوع است:

۲-۱-۱- واج‌آرایی هم‌آغازی:

در این نوع، واج تکرار شونده در آغاز چند واژه می‌آید؛ این نوع از واج‌آرایی بدلیل تشدید نغمه درونی شعر، از بسامد بیش‌تری نسبت به دیگر اقسام واج‌آرایی برخوردار است:

که گرد از گریبان گردون گذشت
(نظامی، ۴۴: ۱۳۸۷)

چنان لرزه افتاد بر کوه و دشت

سه‌تار بست ستاره، سماع کرد سما
(خاقانی، ۱۵۷: ۱۳۷۵ الف)

گه ولادتش ارواح خوانده سوره‌ی نور

او کیست؟ کیای کار او کیست؟
(نظامی، ۳۸: ۱۳۸۹ الف)

کاین کار و کیایی از پی چیست؟

چنان که در مثال‌ها مشخص است، سعی این شاعران بر آن بوده است که تعداد کلمات با واج تکرار شونده هر چه بیشتر باشد تا توان موسیقایی کلام هر چه بیش‌تر افزایش یابد. اگر به موسیقی و آهنگی که از ابیات برمی‌خیزد دقت کنیم، در می‌یابیم که تکرار آگاهانه یک واج تا چه اندازه در غنای موسیقی درونی شعر مؤثر بوده است و به گوش‌نوازی و تأثیربخشی آن کمک کرده.

۲-۱-۲- واج آرایی پراکنده:

شکل دیگری از واج‌آرایی است که در آن واج تکرار شونده در بخش‌های مختلف واژگان آمده است:

بر هامه‌ی ره‌روان نهم پای	همّت ز وجود برتر آرم
دردا! که دل نماند و بر او نام درد ماند	(خاقانی، ۹۴۷: ۱۳۷۵ ب)
	وز یار یادگار دلم یادکرد ماند
	(همان، ۸۷۳)

۲-۲- دایره‌ی هم‌حروفی و صدامعنایی:

واج‌آرایی گاهی پا را از محدوده‌ی یک بازی ساده با حروف، کناری می‌گذارد و برجسته‌سازی یک معنا و یا تصویر مدلول شعر را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهد. در این فن که آن را با نام‌های مختلفی چون "صدامعنایی" "صدا تجسمی" و یا "دایره‌ی هم‌حروفی" می‌شناسیم، شاعر از طریق کاربرد کلماتی با حروف مشابه و تکرار یک یا چند صامت و مصوت، پیامی حامل مفهوم یا تصویری خاص را به ناخودآگاه مخاطب ارسال می‌کند. راست‌گو در کتاب *بدیع* خود از هنری به نام "آوا معنایی" اسم می‌برد و در توضیح آن می‌نویسد که «این هنر زمانی ایجاد می‌شود که صدا و آوایی که از تکرار واج‌ها برمی‌خیزد، با حال و هوای معنایی و عاطفی سخن هماهنگ باشد و معنی و مضمون آن را به یاد آورد.» (راست‌گو، ۱۷۷: ۱۳۸۲) محمدی در مقاله‌ی «هم‌حروفی» با طرح این نظریه می‌نویسد: «بر مبنای نظریه‌ی هم‌حروفی، توالی صامت‌ها و مصوت‌ها ایجاد کننده‌ی یک الگوی معنایی خاص است، الگویی که از معنای کلی کلام تبعیت می‌کند. بر اساس این نظریه اصالت و محوریت -در تکرار هجاها و واج‌ها- با واژه‌ی مرکزی است و واژه‌های محیطی نقش برجسته کردن این کلمه‌ی مرکزی را ایفا می‌کنند.» (محمدی، ۱۱: ۱۳۸۹) مثلاً از تکرار صامت‌های "ش" و "ر" در زبان شعر قصد القای صدای ریزش آب "شر" را

در ذهن مخاطب می‌نماید؛ از این منظر تعداد واژه‌های محیطی می‌تواند متغیر باشد، حد اقل دو واژه یا بیش‌تر. هر چقدر تعداد این واژه‌ها بیش‌تر باشد، القای معنی مرکزی قوی‌تر خواهد بود، ضمن این که موسیقی لفظی هم افزایش خواهد یافت. بسیاری از تکرارهای مربوط به واج‌ها در شعر سبک آذربایجانی را می‌توان از نوع مقوله دایره‌ی هم‌حروفی به شمار آورد؛ مثلاً در این بیت از خاقانی:

ای ریزه روزی تو بوده از ریزش ریسمان مادر
(همان، ۶۹۱)

شاعر که در پی بیان مفهوم ارادت و وام‌داری به لطف مادرش است، و در عین زمان به صنعت کسب درآمد مادر یعنی نساجی و بافندگی مادر نیز اشارتی دارد، از آهنگ زیبای تکرار صامت‌های "ر" و "ز" برای برجسته‌سازی و تجسم معنای "ریختن" استفاده می‌کند.

نظامی برای به تصویر درآوردن "جهیدن" اسب به زیبایی تکرار صامت "ج" را به توصیف خود می‌افزاید:

ز جوشنده جیحون جنیبت جهانند وز آن جا سوی دشت خوارزم راند
(نظامی، ۲۴۱: ۱۳۸۶)

در شعر زیر از مجیرالدین، صدای "نفیر" بلند است:
همی نفرنفر آید بلا به منزل من از این نفرنفر ای دوستان! نفرنفر
(بیلقانی، ۲۷۱: ۱۳۵۸)

۲-۳- تکرار حروف و اصوات (شبه جمله):

تکرار حروف (مثل حروف نفی یا ندا) و شبه جمله‌ها که در شعر سبک آذربایجانی بسیار دیده می‌شود، در تقویت لحن‌های مختلف در شعر بسیار اثرگذار است و علاوه بر تقویت بار معنایی شعر به حس‌آمیزی شعر نیز کمک می‌کند:

نی‌نی که چون‌نمان بین پیل افکن شاهان را پیلان شب و روزش کشته به پی دوران
(خاقانی، ۵۲۳: ۱۳۷۵ ب)

ای بی‌خبر از غایت دل‌داری من فارغ ز دل ستم‌کش و زاری من
خه‌خه ز شب کوتاه و شب خفتن تو وهوه ز شب دراز بیداری من
(مهستی‌گنجوی، ۱۸۰: ۱۳۷۱)

کاربردهای عنصر "تکرار" نزد شاعران سبک آذربایجانی / ۱۷

درختی گشت ذات او بنامیزد و بنامیزد
که بر گش نصرت و فتح است و تأیید و ظفر بارش

(بیلقانی، ۱۲۲: ۱۳۵۸)

چو من ناورد پانصد سال هجرت
دروغی نیست ها برهان من ها

(خاقانی، ۳۴: ۱۳۷۵ الف)

همان گونه که در مثال‌ها مشخص است، شاخص‌ترین عامل برای تأکید لحن و مضمون در این ابیات، اعم از حسرت، شکایت، اعجاب و مفاخره، بهره‌مندی از حروف و شبه‌جمله‌ها به شکل تکرار است.

۲-۴- تکرار کلمات:

تکرار کلمات از برجسته‌ترین و مهم‌ترین مختصات سبکی شعر آذربایجانی است، در بسیاری از موقعیت‌ها و مضمون‌ها، شاعران از این آرایه به تنهایی برای آراستگی کلام خود و تقویت معنای سخن استفاده کرده‌اند. زبان شعری حاصل تأثیر برجسته‌سازی بیان است و تکرار واژه یا واژگان ثابت، در مرکز توجه خواننده واقع می‌شود و برجستگی خاصی در کلام ایجاد می‌کند:

از جگر تا دل همه خون است خون
گریم و خونی به خون پنهان کنم

(نظامی، ۳۱۰: ۱۳۳۴)

آن خویشی چند گویی کنِ اویم، آن اوی
باش تا او گوید از خود کان مایی آن ما

(خاقانی، ۶۷: ۱۳۷۵ الف)

وقت خوش است، خوش بود در پی این ثنای خوش
خوش غزلی که در خورد، صورت حسب حال را

(فلکی شروانی، ۱۹: ۱۳۴۳)

این نوع از تکرار، از نظم و قاعده‌ی خاصی تبعیت نمی‌کند بلکه توان مندی و زنگ کلام و زبان است که نحوه و تعداد تکرار را مشخص می‌کند. در این موارد، عنصر تکرار سکان‌دار کشتی سخن است، هم لحن و مفهوم را تأکید و تقویت می‌کند، هم ایجاد موسیقی جانبی می‌کند و هم تصاویر متعدّد و مختلفی چون تشخیص و تشبیه بر سخن می‌افزاید و هم مفاهیم کنایی و ایهامی در سخن وارد می‌کند.

نکته‌ی قابل توجه در این نوع تکرار در سبک آذربایجانی، تلاش شاعران در افزونی تعداد کاربرد واژه‌ی تکراری است. آنان به دو یا سه بار تکرار کلمه اکتفا نمی‌کنند و دوست دارند تا هر قدر که ظرفیت‌های شعری امکان بدهد، کلمه مد نظر را در دفعات بیش‌تری

استفاده کنند که این ویژگی در نوع خود در سبک‌های شعر فارسی کم‌نظیر است.

۲-۵- تکرار همراه با طرد و عکس:

در این نوع تکرار نظم و آرایشی خاص وجود دارد. تکرار متناوب و معکوس کلمات و نیز جملات همراه با جابه‌جایی ارکان آن، از آن شیوه‌های دل‌خواه شاعرانه در شعر سبک آذربایجانی است که علاوه بر ایجاد موسیقی قوی، تصاویر و معانی جدید در شعر داخل می‌سازد. این صنعت در شعر سبک آذربایجانی بسامد بالایی دارد:

فرو خورد از سر بیداربختی (نظامی، ۱۹۴: ۱۳۹۰)	به سختی و به رنج آن رنج و سختی
به آن خوش‌دلی دل‌خوشی می‌فزود (نظامی، ۲۵۳: ۱۳۸۷)	چو خوش دید دل را کشتی می‌نمود
دل به‌قراری که رفت، رفت و قرارم ببرد (خاقانی، ۹۹۸: ۱۳۷۵ ب)	رفت قراری بر آنک، دل به‌دوزلفش دهم
روز را مرغ و مرغ را روزی آتش لعل و لعل آتش‌رنگ (نظامی، ۵: ۱۳۸۹ ب)	تو دهی صبح را شب‌افروزی تو دهی و تو آری از دل سنگ

گاهی تکرار و طرد و عکس، به شکل التزام در همه مصرع‌ها وجود دارد. این نوع اشعار از موسیقی بسیار قوی و پرتحرکی برخوردارند:

آذر به دلم برزد، برزد به دلم آذر کافر نکند چندین، چندین نکند کافر عنبر ز قمر رسته، رسته ز قمر عنبر چنبر همه در جوشن، جوشن همه در چنبر آزر نکند نقشی، نقشی نکند آزر یک‌سر دل من او برد، برد او دل من یک‌سر (نظامی، ۲۳۱: ۱۳۳۴)	دل بر صنمی شیرین، شیرین صنمی دل بر بستد دل و دین از من، از من دل و دین بستد دوزخ چو قمر دارد، دارد چو قمر دوزخ چو گان سر زلفش، زلفش چو سر چو گان هرگز به صفت چون او، چون او به صفت هرگز عاشق شده‌ام بر وی، بر وی شده‌ام یک‌سر
--	--

و این غزل از فلکی:

شادان دل ما یک‌دم، یک‌دم دل ما شادان صدجان بدهد وصلش، وصلش بدهد صدجان	جانان نکند هر گز، هر گز نکند جانان هجرش چو کشد ما را، ما را چو کشد هجرش
--	--

درمان هم از او خواهیم، خواه هم از او درمان
زین سان نبود یاری، یاری نبود زین سان
(فلکی شروانی، ۱۰۴: ۱۳۴۳)

دردم چو بود از پی، از پی چو بود دردم
زرین شد از او بستان، بستان شد از او زرین

۲-۶- تکرار و تشبیه معکوس:

گاهی تکرار به همراه جابه‌جایی ارکان متکثر، به قصد ایجاد تشبیه معکوس در شعر وارد می‌شود. تشبیه معکوس، رابطه‌ی موجود بین دو تصویر تشبیه‌ی است که در آن‌ها جای دو رکن اصلی تشبیه عوض می‌شود، مثل این که در یک تصویر، موی سر (مشبه) به برف (مشبه‌به) تشبیه شود و در تصویر دوم برف (مشبه) به موی سر شبیه گردد. در واقع، در این نوع تکرار، شاعر با تکرار منظم و به‌هنگار واژگان چندین منظور را در شعر خود وارد می‌کند، از قبیل ورود آرایه‌های تکرار و عکس، افزایش قدرت تأثیرگذاری کلام بر مخاطب و ایجاد حد اقل دو تصویر تشبیه‌ی در شعر با استفاده از کم‌ترین ابزارهای بیانی:

ز سیم چو کافور، صد پاره کوه
(نظامی، ۱۱۴: ۱۳۸۶)

تو آب زیر کاهی و من کاه زیر آب
(خاقانی، ۱۰۹۴: ۱۳۷۵ ب)

دل به جوش و تن به فریاد است باز
از تظلم، کاین چه بیداد است باز؟
(همان، ۹۱۸)

هم‌چو جان بی‌سایه و چون سایه بی‌جان آمدم
(همان، ۹۴۱)

ز کافور چون سیم، صحرا ستوه

حال من و تو از تو و من دور نیست از آنک

هم‌چو آب از آتش و آتش در آب
شد زبانم موی و مویم شد زبان

نیم‌شب پی‌گم‌کنان در کوی جانان آمدم

همان‌طور که در ابیات مشخص است، شاعر جز جابه‌جا کردن ساده‌ی تصاویر و بر عکس ساختن تشبیهات، مقاصد دیگری نیز در ذهن دارد مثلاً در تعبیر "موی شدن زبان" شاعر هم به مفهوم کنایی عبارت نظر دارد و هم به جهت تشبیه، مفهوم نزدیک و حقیقی جمله را منظور کرده است، که این هر دو در کنار هم، موجد نوعی ایهام تناسب زیبا در شعر شده است. هم‌چنین است عبارت کنایی "آب زیر کاه".

۲-۷- تکرار همراه با جناس:

تکرار کلمات به شکل جناس تام، جناس مرکب و یا انواع جناس‌های اختلافی، از

روش‌های دیگر ایجاد موسیقی و هم ایجاد ارتباط بین اجزای مختلف کلام در شعر است که به شکل وسیع و هنری در شعر سبک آذربایجانی از آن استفاده شده است:

رو که به خاک در گهت، گنبد آینه‌صفت
داد جلا هر آینه، آینه‌ی جلال را
(فلکی شروانی، ۱۸: ۱۳۴۳)

ای فلکی غلام تو، چون فلکی به سرکشی
بس که غلام شد فلک، شاه فلک خصال را
(فلکی شروانی، ۲۰: ۱۳۴۳)

دلی است در طلب دست بوس سیف‌الدین
کبود چینی، چون سیف سیف در هیجا
(خاقانی، ۱۰۹۰: ۱۳۷۵ ب)

خداوند مُلکم به پیوند خویش
مشو عاصی اندر خداوند خویش
(نظامی، ۹۸: ۱۳۸۶)

فدا کرده چنین فرهاد مسکین
ز بهر جان شیرین، جان شیرین
(نظامی، ۱۷۸: ۱۳۹۰)

تکرار کلمات در شکل جناس مرکب از شیوه‌های بسیار رایج در این شعر است:
به نام بزرگ ایزد داد بخش
که ما را ز هر دانش او داد، بخش
(نظامی، ۹۹: ۱۳۸۷)

بیا تا ز بیداد شویم دست
که بی داد، نتوان ز بیداد رست
(همان، ۹۵)

این شیوه در رباعی‌های مهستی گنجوی بسیار مورد استقبال قرار گرفته است و بر پایه‌ی تکرار و جناس، تصاویر جذابی خلق شده است. نکته‌ی قابل توجه در این تکرارهای توأم با جناس، ایجاد و برساختن بیش از دو رکن در جناس است هم‌چنان که در مثال‌ها پدیدار است:

زلفین توسی زنگی و هر سی مستان
سی مستانند خفته در سیمستان
عاج است بناگوش تو یا سیمستان آن؟
زین سیمستان بوسه کم از سی مستان
(مهستی، ۱۱۱: ۱۳۷۱)

ما را سرِ نازِ دل بران نیست کنون
آن حسن و طراوت که به رخ دل برداشت
آن رفت و گذشت و دل بر آن نیست کنون
دل نیست بر آن دل بر آن نیست کنون
(مهستی، ۱۱۵: ۱۳۷۱)

ای روی تو از تازه گل بربر به
صد بنده‌ی بربری تو را بنده شود
وز چین و ختا و خلیخ و بربر به
بر بربر بنده نه که بر بربر به
(مهستی، ۱۱۸: ۱۳۷۱)

این نوع تکرار به ملازمت جناس، علاوه بر تمام بازی‌های ادبی و آرایش‌های کلامی که در خود دارد، به دلیل چینش خاص خود و چالشی که در خوانش و فهم برای مخاطب ایجاد می‌کند، به نوعی چیستان شباهت می‌یابد.

این مختصه سبکی در شعر فلکی هم به وفور یافت می‌شود اما فلکی، ارکان جناس مرکب و یا تام را اغلب به شکل جناس مکرر (دو رکن کنار هم) می‌چیند. وی در بسیاری از قصایدش این ویژگی را به عنوان شاخصه‌ی اصلی زبانی و هنری شعر، وارد کرده است که موجب جذب بیش‌تر مخاطب به این نوع تکرار و مفاهیم متفاوت کلام می‌گردد:

ای داده چرخ در همه احکام کام تو
گردون مسخر تو و اجرام رام تو
معصوم هم‌چو نام خدای بزرگوار
در لفظها ز فحش و ز دشنام نام تو
(فلکی شروانی، ۱۰۰: ۱۳۴۳)

خور گرچه نور بخشد هر ماه ماه را
شاهان ز تاج و گاه شرف یافتند و او
روبد به دیده پیشش صد راه راه را
گه تاج را شرف دهد و گاه گاه را
(همان، ۱۰۲)

ترکی که خوش تراست ز مشکوی کوی او
گر جای سرو جوی بود پس چه ساختند
سروی که هست چون گل خودروی روی او
از دیده عاشقان بلاجوی جوی او؟
(همان، ۹۷)

۲-۸- تکرار همراه با ترکیب و اشتقاق:

تکرار کلمات به شکل ترکیب یافته با پیوندهای اسمی و فعلی و وندی دیگر، از مختصات شعر آذربایجانی بر پایه‌ی تکرار است. در این موارد یک اسم یا صفت یا مصدر و یا ریشه‌ی فعل، محور تکرار قرار گرفته و آن قطب یا محور در ساختارهای صرفی اسمی یا فعلی دیگر به کار می‌رود، آن چنان که تاکید کلام بر آن محور تا آخر کلام رعایت می‌شود. هم‌چنین خاصیت برجسته‌سازی حروف و واژگان برای القای معنای منظور در خلال این نوع تکرار فراهم می‌شود در این نوع از تکرار، آرایه‌ی واج‌آرایی هم وجود دارد که به شکلی مؤثر، بر کیفیت موسیقی داخلی شعر می‌افزاید:

کشیدن:

که بر کشیده‌ی حق و بر کشنده‌ی ماست
(خاقانی، ۸۶: ۱۳۷۵ الف)

جهان به خیره‌کشی در کسی کشید کمان

شاه:

بنیاد شهنشاهی محکم تو در افکندی
(فلکی شروانی، ۱۱۱: ۱۳۴۳)

شاه همه شاهان را شاه‌ی به هنرمندی

گل:

به گل‌زار مراد شاه راندش
(نظامی، ۸۱: ۱۳۹۰)

وز آن گلخن بر آن گلگون نشاندش

اشتیاق و شبه‌اشتیاق کلمات عربی را هم به وفور در لابه‌لای اشعار سبک آذربایجانی می‌یابیم. در تمامی مثال‌های این بخش، آرایه واج‌آرایی را هم می‌توان ملاحظه کرد:

باد مسلم تو را ملک جهان والسلام
(فلکی شروانی، ۵۲: ۱۳۴۳)

تا به سلامت بود طبع سلیم از جهان

زین زُرق زرق پیشه‌ی ازرق چشم
پشم سگ لعنت است، مه سگ، مه پشم
(خاقانی، ۱۳۱۱: ۱۳۷۵ ب)

خاقانی را دلی‌ست آلوده‌ی خشم
حُکم از حَکمه نداند و رسم از رشم

۲-۹- تکرار هم‌راه با تصدیق:

تکرار کلمات در اول و آخر بیت‌ها و مصرع‌ها، بازی دیگری با ماده‌ی تکرار است که در

شعر سبک آذربایجانی به فراوانی یافته می‌شود:

کز خوف دید توان سر حد ملک رجا
تمساح خفته نگر در زیر آب و گیا
(بیلقانی، ۹: ۱۳۵۸)

ملک رجا طلبی بر خوف پای بنه
از آب و گیاه جهان صورت چه می‌نگری

زنده بلک از وجود توست حیات
(نظامی، ۳: ۱۳۸۹ ب)

به حیات است زنده موجودات

من آتش غم به دست سوده
(خاقانی، ۱۰۱۴: ۱۳۷۵ الف)

تو سوده به پای غم دلم را

۲-۱۰- تکرار هم‌راه با تصویرسازی:

یکی از ویژگی‌های بلاغی شعر سبک آذربایجانی ایجاد صورت‌های خیالی تو در تو است. بدین ترتیب که در کم‌ترین کلمات و با نهایت ایجاز بیش‌ترین تصاویر در شعر ایجاد می‌شود. یکی از روش‌های اصلی شاعران این سبک در ایجاد تصاویر متداخل و مضاعف با رعایت ایجاز، استفاده از تکرار است. مثل استفاده از صور خیالی که بر اساس یک کلمه‌ی واحد و شاخص ساخته شده‌اند. به عنوان مثال تکرار کلمه "جگر" در شکل صورت‌های خیالی مختلف "جگر: فرزند"، "خون جگر: اشک" و نیز تکرار همه یا گوشه‌ای از ترکیبات کنایی، در مفهوم حقیقی. مثل تکرار کلمه "سلسله: زنجیر" به عنوان بخشی از کنایه‌ی "در سلسله شدن: جنون" یا تکرار "ماه دو هفته: ماه چهارده شبه" به شکل "ماه دو هفته: استعاره از معشوق".

این شیوه، از روش‌های دیگر وارد ساختن تکرار در شعر است که هم پیوند کلمات را افزایش می‌دهد و تناسب بین آن‌ها را می‌افزاید و هم جنبه‌ی ایهامی و هنری شعر را تقویت می‌کند و هم ذهن را برای یافتن مدلول و رابطه‌ی کلمات و تعبیرات به چالش می‌کشد؛ مثلاً در این بیت:

خون جگر از جگر برانگیخت هم بر جگرش جگر همی ریخت
(نظامی، ۱۷۱: ۱۳۸۹ الف)

نظامی با محور قرار دادن کلمه جگر و تکرار آن، به چهار تصویر مجزا و در عین حال مرتبط به هم اشاره کرده است؛ "خون جگر" تصویری از اشک است، "جگر" در مصرع دوم استعاره از فرزند است، "جگر ریختن" کنایه از اشک ریختن است و جگر دوم در مصرع اول در معنی حقیقی که اشاره‌ای به محل غم و اندوه است به کار رفته است.

هم‌چنین در بیت زیر:

مرا در عاشقی کاری‌ست مشکل که دل بر سنگ بستم، سنگ بر دل
(نظامی، ۱۸۰: ۱۳۹۰)

"سنگ بر دل بستن" کنایه از صبر کردن است و "سنگ" که گوینده بر آن دل بسته است، استعاره از معشوق است. دو تصویر از طریق تکرار یک کلمه در موجزترین زبان ساخته شده‌است.

خاقانی در بیت زیر از قصیده‌ی معروف ایوان مداین، از تکرار کلمه‌ی "سلسله" چندین

استفاده‌ی تصویری برده است، یک بار تلمیحی به تصویری از گذشته‌ی دور را پیش چشم عبرت می‌آورد: زنجیر دادخواهان که به دستور انوشیروان از ایوان کاخ مداین آویخته بودند. بار دیگر کلمه‌ی سلسله، جزوی از تصویر کنایی "در سلسله شدن" است که معنای جنون و سودا زدگی دارد و بار دیگر سلسله تشبیهی است برای امواج خروشان دجله:

تاسلسله‌ی ایوان بگسست مداین را در سلسله شد دجله، چون سلسله شد پیچان
(خاقانی، ۵۶۴: ۱۳۷۵ الف)

خاقانی در بیت زیر با تکرار کلمه‌ی "آب" توانسته است در کوتاه‌ترین زبان چندین صورت را در کنار هم قرار دهد:

ای درّ آب‌دار چو آبی ز پیچ و خم درّ آب شد ز شرم تو صد راه زیر آب
(خاقانی، ۸۸۶: ۱۳۷۵ ب)

"آب‌دار" صفت زیبایی است برای استعاره‌ی مفرد مقید یعنی "درّ" که تصویری از دل‌دار شاعر است، در تصویر بعد یار در نغزی و روانی به "آب" مانند می‌شود سپس معشوق بر درّ برتری داده می‌شود که در زیر "آب" از شرم زیبایی و لطف او "آب می‌شود".

۲-۱۱- تکرار و قید مقدار:

نوعی از کلمات مرکب از تکرار کلمات ساخته می‌شوند. قیود مقدار که با استفاده از روش تکرار کلمات در شعر آذربایجانی ساخته شده‌اند بسیار زیادند. در اغلب این ساختارها عنصر اغراق نیز قوی است و تصاویر مبالغه‌آمیزی که از طریق این نوع قیود تکرار ادعایی در شعر وارد می‌شود، هنجارشکنانه و جذاب است:

دل جام‌جام زهر غمان هر زمان کشد ناکام‌جان نگر که چه در کام جان کشد
(همان، ۸۶۶)

ز گیسو نافه‌نافه مشک می‌بیخت ز خنده، خانه‌خانه قند می‌ریخت
(نظامی، ۲۰۸: ۱۳۹۰)

جو جو شدم از عشقش، او جو به جو این داند او را به جوی زین غم، غم خوار نیندیشم
(خاقانی، ۹۵۶: ۱۳۷۵ ب)

سیل سیل از خون روان بر روی خاک و رنگ‌او میل میل از خاک هم‌رنگ طبرخون ساخته
(فلکی شروانی، ۶۶: ۱۳۴۳)

چنین قیودی از جنبه‌ی تقویت حس و بار عاطفی نیز تأثیر مهمی در شعر دارند:

دریادریا گهر برآمیخت
کشتی کشتی ز دیده می‌ریخت
(نظامی، ۱۱۴: ۱۳۸۹ الف)
آن را که چو تو نگار در بر باید
دامن‌دامن، کله‌کله زر باید
(خاقانی، ۱۲۹۴: ۱۳۷۵ ب)

۲-۱۲- تکرار و قید حالت:

از تکرار کلمات، برای بیان حالات فاعل و فعل در شعر سبک آذربایجانی بسیار استفاده شده است. در ساختن این نوع از قیود، گاه فقط یک صفت یا قید تکرار می‌شود (خاموش خاموش)، اما گاهی بین کلمات از حروف اضافه هم استفاده می‌شود (شاخ بر شاخ). در این نوع تکرار، هم از تکرار کلمات ساده (گستاخ) استفاده شده است و هم از تکرار کلمات مرکب (خبرپرسان):

پرنده مرغکان گستاخ‌گستاخ
شمایل بر شمایل، شاخ بر شاخ
(نظامی، ۱۷۸: ۱۳۹۰)
به پرسش پرسش از درگاه پرویز
به مشکوی مداین راند شب‌دیز
(همان، ۶۴)
جنیبت را به یک منزل نمی‌ماند
خبر پرسان، خبر پرسان همی‌راند
(همان، ۵۴)
سخن‌گویان سخن‌گویان همه راه
به سر بردند ره را تا وطن‌گاه
(همان، ۴۸)

در این نوع از قیود نیز علاوه بر هنجارگریزی در زبان معهود، عنصر حس‌آمیزی قوی است:

خیال‌توز توطیره، خجل‌خجل به‌من آمد
به عذر آن که ز کویم خرام بازگرفتی
(خاقانی، ۱۰۳۷: ۱۳۷۵ ب)

۲-۱۳- تکرار و قید زمان:

از تکرار کلمات برای بیان استمرار در زمان هم استفاده شده است. در این نوع تکرار هم گاهی بین دو جزو تکراری از حروف اضافه استفاده شده است:

من زارترم شب ز شب و روز از روز
تو خوب‌تری مه به مه و سال به سال
(فلکی شروانی، ۱۰۸: ۱۳۴۳)

و گاهی نیز تکرار بی‌فاصله است و نوعی کلمه‌ی مرکب با معنی قید زمان را تشکیل می‌دهد:

رخساره‌ی عاشقان مزعفر باید ساعت‌ساعت، زمان‌زمان تر باید
(خاقانی، ۱۲۹۴: ۱۳۷۵ ب)
دم‌دم این عمر من نهفته ربود کم‌کم این گنج من نهان برداشت
(بیلقانی، ۴۵: ۱۳۵۸)

۲-۱۴- تکرار منادا:

یکی از مختصات سبکی شعر آذربایجانی تکرار منادا است. مهم‌ترین خاصیت این گونه تکرارها علاوه بر تقویت جنبه‌ی موسیقایی شعر که به طور خودکار در شعر وارد می‌شود، تقویت لحن مورد نظر شاعر در شعر است. در این تکرارها لحن‌های مورد نظر شاعر از هر دست که باشد (تنبیه، توبیخ، استرحام و ...) تقویت می‌شود:

ای دل! ای دل! هلاک تن کردی بس کن ای دل! که کار من کردی
(خاقانی، ۱۰۴۰: ۱۳۷۵ ب)
گفت: ای پدر! ای پدر! کجایی؟ کافسر به پسر نمی‌نمایی
(نظامی، ۱۸۴: ۱۳۸۹ الف)
او می‌شد و می‌زدند هر کس مجنون‌مجنون ز پیش و از پس
(همان، ۸۲)

۲-۱۵- تکرار و تأکید:

بسیاری از اوقات تکرار کلمات و اجزای مختلف جمله (نهاد، فعل، ...) برای تأکید در کلام به کار می‌رود. در این نوع تکرارها هر بخش از جمله ممکن است تکرار شود و در این تکرار همه نکات و ظرایفی که در آرایه‌ی تکرار منظور نظر شاعران است، از قبیل تقویت لحن، ایجاد موسیقی درونی قوی‌تر در کنار تأکید معنایی مورد توجه شاعر، دیده می‌شود:

منم منم که ز جور تو آگهی دارم تویی تویی که ز حال دلم نیی آگاه
(بیلقانی، ۱۷۶: ۱۳۵۸)
ندارم طاقت هجران ندارم ندارم، ای مسلمانان! ندارم
(نظامی، ۶۷: ۱۳۳۴)
رحم‌کن، رحم، نظر بازگیر لطف کن، لطف، خبر بازگیر

(خاقانی، ۹۱۵: ۱۳۷۵ب)

۲-۱۶- تکرار و تشخیص:

یکی از زیباترین و هنری‌ترین انواع تکرار، تکراری از بطن کلمه است، بدین معنی که شاعر یک مدلول را چون موجودی ذی‌روح که قابلیت مالکیت و اختیار رفتار و کرداری انسانی را دارد، در کنار تکراری از خودش می‌آورد. این نوع تکرار برای داخل کردن اغراق در معنی کلام و تقویت بار حسی شعر بسیار مؤثر است، مثل این‌که معشوقی به قدری سرش شلوغ از ازدحام عشاق باشد که حتی خودِ "گرفتاری" هم "گرفتارش" باشد:

نشانش از که می‌پرسی؟ سراغش از که می‌گیری
گرفتاری گرفتارش، پریشانی پریشانش
(خاقانی، ۹۲۵: ۱۳۷۵ب)

۲-۱۷- تکرار و التزام:

تکرار کلمه یا کلمات در چند مصرع یا بیت متوالی از یک شعر یا در تمام یک شعر، از آرایش‌هایی است که در شعر سبک آذربایجانی به آن بسیار توجه شده است. در التزام کلمات، تنها به تکرار ساده‌ی کلمات بسنده نشده است بلکه هر تکرار حاوی نکته‌ای حائز اهمیت در شعر -از قبیل آرایه‌ای یا تصویری خیالی چون کنایه، جناس، استعاره، تلمیح و یا تأکید و تقویت معنا- است و از جنبه‌های مختلف، بر بار معنایی و ادبی شعر می‌افزاید. در غزل زیر از نظامی، گندم محور تمام بازی‌های لفظی و معنوی، تصویرگری و البته مضمون‌پردازی شاعرانه است. گندم همان میوه‌ی ممنوعه که خوردنش آدمی را از بهشت بیرون می‌کند، با کاه، خوشه، سنبل، سنبله، میزان، دهقان و جو در تناسب و پیوندی شاعرانه تصاویر زیبایی را رقم زده است:

گندم:

که همه شب‌رخ چون کاهم از او پر خون است
کم‌ترین خوشه‌ی او سنبله‌ی گردون است
گندمین خواهد موزون که سخن موزون است
صدچومن مرغ در آن دام‌شکار افزون است
از بهشت در او رختم از آن بیرون است
این غم اورا به یکی جو که نظامی چون است
(نظامی، ۲۷۰: ۱۳۳۴)

جوبه جو محنت من زان رخ گندم‌گون است
گونه‌ی گندم او سنبل تر دارد بار
از تراوی دو زلفش چو جوی مشک خرم
غم او چند خورم چون غم گندم دهقان
من نخوردم بر او، صبرم از او گندم خورد
من شب و روز چو گندم ز غمش دل به‌دونیم

زیبایی این نوع تکرارها، لذت کشفی است که از یافتن هر باره‌ی معنی جدید، تصویر جدید و یا نقش دستوری جدید از کلمات تکراری در شعر به وجود می‌آید. نظامی در ابیات پی‌درپی و فراوانی از مثنوی‌های خود از این صنعت برای بیان مفاهیم توأم با آرایش‌گری و صورت‌سازی یاری گرفته است:

هست از جهت خیال‌سازی
کاین پرده به خود شناخت نتوان
هم پرده‌ی خود نمی‌شناسی
بی‌پرده مزین درین ساز
در خلوت هیچ پرده منشین
معروف شوی به نیک‌نامی
(نظامی، ۴۰: ۱۳۸۹ الف)

این هفت فلک به پرده‌سازی
زین پرده ترانه ساخت نتوان
گر پرده‌شناس از این قیاسی
گر باربیدی به لحن و آواز
با پرده دریدگان خودبین
آن پرده طلب که چون نظامی

۲-۱۸- تکرار و تفنن شعری:

از طریق تکرار، فرم‌های جدیدی از شعر شکل می‌یابند، مثلاً در غزل زیر از نظامی که کاملاً بر پایه‌ی تکرار شکل گرفته، بازی خاصی با عنصر تکرار انجام گرفته است؛ بدین ترتیب که طی پرسش و پاسخی که اساس کلام (در مصرع‌های دوم) را تشکیل می‌دهد، واژه‌ای ثابت هم در جمله‌ی سؤالی و هم در جواب آن، عیناً تکرار می‌شود:

شدم بر صورتی عاشق که بر مه می‌کند غوغا

چه صورت؟ صورت دل‌بر، چه دل‌بر؟ دل‌بر زیبا

اگر رویش نمی‌بینم دو چشمم چشمه‌ای گردد

چه چشمه؟ چشمه‌ی لولو، چه لولو؟ لولو لالا

اگر در باغ بخرامد دو صد غلغل برانگیزد

چه غلغل؟ غلغل بلبل، چه بلبل؟ بلبل شیدا

خیالی را که می‌دارم غم را هم‌دمی باشد

چه هم‌دم؟ هم‌دم محرم، چه محرم؟ محرم دل‌ها

نگارمن به صد خوبی دو زلفش نکه‌تی دارد

چه نکه‌ت؟ نکه‌ت عنبر، چه عنبر؟ عنبر سارا

مرا از بهر جانانی، نظامی شربتی باید

چه شربت؟ شربت قاتل، چه قاتل؟ قاتل جانها

(نظامی، ۲۶۰: ۱۳۳۴)

فلکی کار با تکرار را پیچیده تر می کند. او که در چندین قصیده اش از این شیوه استفاده کرده است، کلمات را به شکل کلمات مرکب از تکرار و با نظامی خاص در دو مصرع از یک بیت می آورد، در بیت بعد همان کلمات مکرر را در همان مصرعها تکرار می کند و این بار به شکل دسته‌ی سه تایی:

نار است شعله شعله، رخ دل برم ز تاب

مار است عقده عقده دو زلفش بر آفتاب

زین شعله شعله، شعله‌ی آتش نهفته روز

ز آن عقده عقده، عقده‌ی تنین گرفته تاب

چون نافه نافه، مشک دو زلفش به رنگ و بو

وز توده توده، عنبر تر برده رنگ و آب

زین نافه نافه، نافه‌ی مشک اندر اهتمام

ز آن توده توده، توده‌ی عنبر در اکتساب

از بوسه، بوسه‌ای که دهد راحتی به روح

وز غمزه، غمزه‌ای که خرد را کند خراب

زین بوسه بوسه، بوسه‌ی او دایه‌ی روان

زین غمزه غمزه، غمزه‌ی او مایه‌ی عذاب

هر روز نامه نامه نویسد به رگم من

پر طعنه طعنه تا دل من زان شود خراب

ز آن نامه نامه، نامه‌ی شاهان در اضطرار

زین طعنه طعنه، طعنه‌ی شیران در اضطراب

هر لحظه خیره خیره برآرم ز عشق او

از سینه ناله ناله، چو دعد از غم رباب

زین خیره خیره، خیره قدم چون کمان سخت

ز آن ناله ناله، ناله‌ی من زار چون رباب...

(فلکی شروانی، ۲۲۰: ۱۳۴۳)

۲-۱۹- تکرار و موسیقی کناری:

ردیف در شعر فارسی، از قدیمی‌ترین و مؤثرترین جلوه‌های تکرار منظم شمرده می‌شود. تکرار منظم الفاظ هم شکل و هم صدا بعد از قافیه، زیوری شنیداری است که تأثیر صوتی قافیه را نیز افزون خواهد کرد و لذت موسیقایی‌ئی را که از آهنگ کلمه‌ای در ابتدای شعر داریم، به صورت پیوسته تا آخر شعر در ذهن ما تکرار و تثبیت می‌کند. مهم‌ترین نقش‌های ردیف در شعر عبارتند از:

- ۱- افزودن بر بار موسیقایی شعر
- ۲- وحدت بخشیدن به افکار و تخیلات شاعر
- ۳- ایجاد مفاهیم و ترکیبات جدید در شعر
- ۴- ایجاد وحدت بین سراینده و خواننده
- ۵- برجسته‌سازی تصویر و مضمون
- ۶- ایجاد تقارن دیداری و شنیداری
- ۷- القای مفهوم خاص.

شاعران سبک آذربایجانی _علی‌الخصوص خاقانی_ در کاربرد ردیف و به‌ویژه بهره‌مندی از ردیف‌های دشوار و طولانی شهره‌اند. به طور میانگین در بیش از ۵۰ درصد قصاید و در بیش از ۷۰ درصد غزلیات سبک آذربایجانی ردیف وجود دارد. این امر حکایت از توجه شاعران این سبک به موسیقی شعر و نقش مهم ردیف در تحکیم و تقویت این موسیقی دارد. تازگی و دل‌نشین بودن موسیقی و ردیف‌های برگزیده در دیوان شاعران سبک آذربایجانی، توجه شاعران در تمام دوره‌های شعری را به خود جلب کرده است و باعث شده است که این غزلیات در بیش‌تر دوره‌های شعر فارسی حتی تا زمان‌های نزدیک به عصر ما -مثلاً در شعر بهار و رهی معیری- مورد استقبال واقع شود:

از من دریغ داشت:

بیمار او شدم قدم از من دریغ داشت

(خاقانی، ۱۷۴۵: ۱۳۷۵ الف)

خاک رهش شدم قدم از من دریغ داشت

(دهلوی، ۳۰۲: ۱۳۸۰)

تیری ز غمزه بر جگر از من دریغ داشت

عیسی لب است یار و دم از من دریغ داشت

آب حیات من که نم از من دریغ داشت

آن نور دیده یک نظر از من دریغ داشت

(خجندی، ۶۳: ۱۳۹۲)

دریای لطف بود و نم از من دریغ داشت

(محتشم کاشانی، ۹۸: ۱۳۹۲)

آن شاه ملک دل، ستم از من دریغ داشت

دریغ من:

در خم شست آسمان بسته منم، دریغ من

(خاقانی، ۱۱۶۷: ۱۳۷۵ ب)

با غم رویت از جهان می گذرم، دریغ من

(مراغه‌ای، ۱۲۱۱: ۱۳۴۰)

ز آب دودیده بیخ غم برنکنم، دریغ من

غصه آسمان خورم دم نزنم دریغ من

(بهار، ۱۳۰۹: ۱۳۹۱)

غصه آسمان خورم، دم نزنم دریغ من

بر سر کویت ای پسر! پی سپرم، دریغ من

آتش کید آسمان سوخت تنم دریغ من

خاقانی شیروان گفته زبان حال من

بررسی شکل‌های متفاوت و گسترده‌ی تکرار در شعر سبک آذربایجانی روشن‌گر این مسأله است که تکرار تنها مقوله‌ی بدیعی یا دستوری نیست، بلکه تکرار مختصه‌ی سبکی مهمی است که در تمام دستگاه‌های اساسی شعر شامل دستگاه آوایی، صرفی، نحوی، ادبی و بلاغی مؤثر واقع می‌شود و استفاده‌ی بهینه از آن در تازگی صورت و معنای شعر هر دو بسیار مؤثر است. اینک برای جمع‌بندی سخن، به مهم‌ترین موارد تأثیرگذاری تکرار بر زبان ادبی شعر سبک آذربایجانی اشاره می‌کنیم:

۱- تکرار، محملی برای ایجاد فرصت‌های بسیار برای بازی‌های لفظی در شعر:

چنان‌که در بررسی شکل‌های مختلف تکرار در شعر آذربایجانی مشاهده شد، عامل تکرار میدان بزرگی برای عمل و خودنمایی در عرصه‌های مختلف تصویرسازی و بیان را به شاعران می‌دهد و خود دست‌مایه‌ی خلق بسیاری دیگر از انواع صنعت‌های شعری از قبیل واج‌آرایی، شبه‌اشتقاق و اشتقاق، انواع جناس، (به ویژه جناس تام و مرکب) موازنه و ترصیع، قلب، طرد و عکس، تصدیر و التزام می‌شود.

۲- تکرار، فرصتی برای خلق انواع صورت‌های خیالی متناسب و موجز:

علاوه بر آرایش‌های لفظی، صورت‌های خیالی زیادی هم از طریق انواع تکرارها فرصت ایجاد و یا گسترش در شعر می‌یابند. گاهی با محوریت یک کلمه (مثلاً سر یا دندان یا آب یا سگ و...) که در چند کنایه و یا تمثیل مختلف به کار رفته است، شاعر مجال حرکت از

صورتی به صورت دیگر را به دست می‌آورد و از چندین تصویر پی‌درپی، بر اساس تکرار در شعر خود بهره می‌برد. تشبیه معکوس، سلسله‌ای از کنایات توأم با تشبیه و استعاره و نیز تشخیص حاصل تکرارهای هوش‌مندانه است. یکی از ویژگی‌های تصاویر حاصل از تکرار ایجاز و تناسب عمیق در کلام است.

۳- تکرار، عامل تقویت و ایجاد موسیقی در شعر:

تکرار عامل موسیقی را نیز در شعر تقویت می‌کند، علاوه بر موسیقی بیرونی (قافیه و ردیف)، وجود تکرار در شعر، ضرب آهنگ و موسیقایی درونی خاصی بر شعر می‌افزاید که بر خوش‌آهنگی و دل‌نشینی شعر می‌افزاید و لذتی از آن خواندن احساس می‌شود. تکرار خود به تنهایی موسیقی مزید بر موسیقی معمول شعر بر آن می‌افزاید.

۴- تکرار، عاملی برای تقویت لحن و تأکید مضمون:

نقش مهم دیگر تکرار در شعر سبک آذربایجانی هم‌چنان که در مثال‌های مربوط به هر بخش دیده شد، تقویت لحن مورد نظر شاعر در شعر است. لحن‌های مختلفی چون استرحام یا توبیخ و سرزنش، یا مفاخره و حماسه و جز این در شعر مدّ نظر شاعر است که از طریق انواع تکرارها در شعر تقویت می‌شود. همان‌گونه که عوامل نحوی از قبیل تأکید (مفعول مطلق) یا قیود تأکید، برای تحکیم معنای منظور استعمال می‌شوند، شاعران این سبک نیز به درستی از فنّ تکرار برای این مقصود استفاده کرده‌اند. تقویت و تحکیم لحن و موسیقی توأمان با هم تأثیرگذاری شعر را چند برابر می‌کند.

۵- تکرار عامل برجسته‌سازی در زبان ادبی:

نکات بسیاری در شعر وجود دارد که شاعر علاقه‌مند به برجسته‌سازی آن‌هاست: گاهی یک مضمون، گاهی یک حس و گاهی یک صورت خیالی؛ هر هنری ابزاری مخصوص به خود، برای برجسته‌سازی ظرایف خود در اختیار دارد، مثلاً در نقاشی از عنصر رنگ یا سایه‌روشن می‌توان برای این منظور استفاده کرد. زبان ادبی نیز وسایلی برای برجسته‌سازی در اختیار دارد که یکی از آن‌ها عامل تکرار است و شاعران سبک آذربایجانی از آن به شیوه‌ای ماهرانه بهره برده‌اند.

۶- تکرار عاملی برای آشنایی‌زدایی نحوی و افزایش دایره‌ی لغات:

کلمات مرکبی که از تکرار کلمات حاصل می‌شوند، در دایره‌ی واژگان شعر سبک آذربایجانی و دستگاه زبانی این شعر از بسامد بالایی برخوردارند و نقش مهمی در تازگی

کلام ایفا می‌کنند. این نوع کلمات مرکب که اغلب در کلام به شکل قیود اسمی و فعلی در سخن استفاده می‌شوند، در تأثیرگذاری کلام و نیز زدودن رنگ رخوت از زبان شعر (آشنایی‌زدایی) و هم‌چنین تأکید و تقویت لحن و مضمون بسیار کارآمدند.

۳- نتیجه‌گیری

تکرار یکی از مختصات سبکی مهم و پربسامد در شعر سبک آذربایجانی است. از عنصر تکرار، در همه‌ی قالب‌ها و موضوعات شعری و در شکل‌های بسیار متنوع و گوناگون، به شکل ابزاری حرفه‌ای و تخصصی برای جلوه‌های بیانی و بصری این شعر فنی استفاده شده است.

تکرار در همه سطوح و دستگاه‌های سبکی شعر سبک آذربایجانی - اعم از دستگاه بلاغی، صرفی، نحوی و آوایی - تأثیر مستقیم دارد و موجب توسعه صنایع شعری، موسیقی شعر، صورت‌گری‌های خلاقانه و نیز تازگی زبانی شعر سبک آذربایجانی گشته است. هم‌چنین تکرار، نقش مهمی در آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی کلامی، تقویت موسیقی درونی و کناری شعر، افزایش هنرمندی‌های خلاقانه هم‌راه با تصویرسازی‌های متنوع و متداخل و موجز، - که از ویژگی‌های سبک آذربایجانی است - تأکید لحن و مضمون شعر و در نهایت افزایش قدرت تأثیرگذاری شعر بر مخاطب ایفا می‌کند.

پانوشت‌ها

- ۱- منصفان استاد دانندم که از معنی و لفظ/ شیوه‌ی تازه نه رسم باستان آورده‌ام. (خاقانی، ۳۲۶: ۱۳۷۵ الف)
- ۲- ولی آن کز معانی با نصیب است/ بداند کاین سخن طرزی غریب است. (نظامی، ۴۴۶: ۱۳۹۰)

منابع

- ۱- بارانی، محمد. (۱۳۹۱). «تکرار در معانی عاطفی و زبان هنری غزلیات سعدی»، پژوهش‌نامه ادب غنایی، سال دهم، شماره ۱۸، صص ۲۹-۵۰.

- ۲- بهار، محمدتقی. (۱۳۹۱). **دیوان اشعار**، چاپ اول، تهران: نگاه.
- ۳- بیلقانی مجیرالدین. (۱۳۵۸). **دیوان اشعار**، تصحیح و تعلیق دکتر محمد آبادی، چاپ اول، تبریز: انتشارات دانش‌گاه تبریز.
- ۴- جلالی، مریم. (۱۳۹۰). «آهنگ تکرار در شعر کودک فارسی و عربی»، **کتاب ماه کودک و نوجوان**، شماره پیاپی ۱۷۱ دی ماه، صص ۷۱-۷۹.
- ۵- خاقانی شروانی، بدیل بن علی. (۱۳۷۵ الف). **دیوان اشعار**، تصحیح میر جلال‌الدین کزازی، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۶ _____ (۱۳۷۵ ب). **دیوان اشعار**، تصحیح میر جلال‌الدین کزازی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۷ _____ (۱۳۸۵). **ختم‌الغرایب، تحفه‌العراقین**، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- ۸- خجندی، کمال‌الدین مسعود. (۱۳۹۲). **دیوان اشعار**، چاپ اول، تهران: سنایی.
- ۹- دهلوی، امیر خسرو. (۱۳۸۰). **دیوان اشعار**، با مقدمه محمد روشن، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- ۱۰- راست‌گو، سید محمد. (۱۳۸۲). **هنر سخن‌آرایی**، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- ۱۱- رضایی، احمد. (۱۳۸۷). «برجسته سازی از طریق تکرار یک واژه در بوستان سعدی»، **فصل‌نامه علوم انسانی دانش‌گاه الزهراء**، سال هجدهم، شماره ۷۳، صص ۷۷-۵۳.
- ۱۲- روحانی، مسعود. (۱۳۹۰). «بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر»، **بوستان ادب**، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ۸، صص ۱۴۵-۱۶۹.
- ۱۳- سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست. (۱۳۸۸). «تکرار بلاغی و لزوم بازن‌گری آن»، **مجله دانش‌کده ادبیات دانش‌گاه تبریز**، شماره پیاپی ۵۲.
- ۱۴- فلکی شروانی. (۱۳۴۳). **دیوان اشعار**، به تصحیح شهاب طاهری، چاپ اول، تهران: ابن‌سینا.
- ۱۵- کاشانی، محتشم. (۱۳۹۲). **دیوان اشعار**، چاپ اول، تهران: نگاه.
- ۱۶- کرمی، محمدحسین. (۱۳۸۳). «واج آرایی و تکرار در شعر خاقانی»، **فصل‌نامه پژوهش زبان و ادب فارسی دانش‌گاه تبریز**، سال ۵۲، شماره مسلسل ۲۱۱، صص

۸۱-۱۰۴.

۱۷- متحدین، ژاله. (۱۳۵۴). «تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن»، مجله دانش کده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۴۸۳-۵۳۰.

۱۸- محمدی، محمد حسین. (۱۳۸۹). «دایره هم‌حروفی»، فصل‌نامه تخصص سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۹-۲۲.

۱۹- مراغه‌ای، اوحدالدین. (۱۳۴۰). دیوان، تصحیح سعید نفیسی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

۲۰- مهستانی گنجوی. (۱۳۷۱). رباعیات، جمع و تدوین احمد سهیلی خوانساری، چاپ اول، تهران: ایرانی.

۲۱- نساجی‌زواره، اسماعیل. (۱۳۹۰). «آرایه تکرار در غزلیات حافظ»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره پیاپی ۱۰۰، شماره دوم، صص ۳-۸.

۲۲- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۳۴). دیوان اشعار، تصحیح سعید نفیسی، چاپ اول، تهران: فروغی.

۲۳ _____ (۱۳۸۶). شرف‌نامه، تصحیح بهروز ثروتیان، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

۲۴ _____ (۱۳۸۷). اقبال‌نامه، تصحیح بهروز ثروتیان، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

۲۵ _____ (۱۳۸۹ الف). لیلی و مجنون، تصحیح بهروز ثروتیان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

۲۶ _____ (۱۳۸۹ ب). هفت‌پیکر، تصحیح بهروز ثروتیان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

۲۷ _____ (۱۳۹۰). خسرو و شیرین، تصحیح حسن وحید دست‌گردی، چاپ دوازدهم، تهران: قطره.

۲۸- وفاپی، عباس‌علی. (۱۳۸۸). «تکرار مقوله‌های زبانی در غزلیات شمس»، فصل‌نامه زبان و ادب فارسی، شماره ۳۹، صص ۴۱-۵۷.